

بود که در حدود ۷۵۲ سلسله خود را جانشین سمره^۶ ها کرده بودند که مذهب اسماعیلی داشتند. اما سماها بزودی پیرو مذهب اهل سنت شدند. طبق روایات منقول در گناها، پیرصدرالدین برای تحویل وجوهات مذهبی، یعنی داسوند^۷ یا عشریه، به امام نزاری، سفری به ایران کرده و در آنجا به دیدار امام اسلام شاه نایل شده بوده است.

مزار پیرصدرالدین در نزدیکی جت پور^۸، در حومه اوچ، در جنوب ملتان/ مولتان قرار دارد. متولیان این مزار اکنون خود را پیرو مذهب شیعه اثناعشری می دانند و از پیرصدرالدین به عنوان حاج صدرشاه یاد می کنند. پس از صدرالدین فرزند ارشدش، حسن کبیرالدین، جانشین پدر شد و امور دعوت سات پانت و خوجه های نزاری را به دست گرفت.

در روایات سنتی خوجه های نزاری، پیرصدرالدین مؤلف بیشترین تعداد از گناها معرفی شده است، از جمله یکی از سه تحریر موجود از گنا مهم دسه اوتار^۹ (ده اوتار یا ده مظهر) که اصول عقاید اسماعیلیه نزاری را در چهارچوب هندویی مطرح می سازد. خوجه ها، گناهای دیگری به پیرصدرالدین منسوب کرده اند که تحقیقات جدید صحت این انتساب را رد کرده است. این گنا که به بوج نیرانجان^{۱۰} (معرفت توحید) مشهور است منظومه ای به زبان هندوستانی درباره طریقت صوفیه است. این منظومه در اصل در محافل قادریه در سند پدیدار گشته و سپس وارد مکتوبات گنایی خوجه ها شده است. علی رغم اینکه هیچگونه اصول عقاید سات پانت در آن یافت نمی شود، آن را به پیرصدرالدین منسوب کرده اند. در هر صورت این گنا سند دیگری است که از وجود مناسبات نزدیک بین خوجه ها و صوفیان شبه قاره هند حکایت دارد.

منابع: پیرزاده درگاه والا، تواریخ پیر، نوسری ۱۹۱۲-۱۹۳۵، ج ۲ (گجراتی)؛ علی محمد ج. چونارا، نورمبین، بمبئی ۱۹۳۶ (اردو)؛ همان، بمبئی ۱۹۳۶ (گجراتی)؛ فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران ۱۳۷۵ ش؛

Ali S. Asani, *The Bñjh Niranjan: an Ismaili mystical poem*, Cambridge, Mass., 1991; Farhad Daftary, *A short history of the Ismailis: traditions of a Muslim community*, Edinburgh 1998; Vali Mahomed N. Hooda, "Some specimens of Satpanth literature", in *Collectanea*, ed. V. Ivanov, Leiden 1948, 104-109, 112-121; Vladimir Ivanov, *Ismaili literature: a bibliographical survey*, Tehran 1963, 177-178; Azim Nanji, *The Nizārī Ismā'īlī tradition in the Indo-Pakistan subcontinent*, Delmar, N. Y., 1978; Ismail

Prakāśa", in *Hermeneutical paths to the sacred worlds of India*, ed. K. K. Young, Atlanta 1994, 231-241; A. Nanji, *The Nizārī Ismā'īlī tradition in the Indo-Pakistan subcontinent*, Delmar, N. Y. 1978, 50-69, 110-130; Ismail K. Poonawala, *Biobibliography of Ismā'īlī literature*, Malibu, Calif. 1977, 299-300.

/ فرهاد دفتری /

پیرصدرالدین، یکی از نخستین داعیان اسماعیلیه نزاری در شبه قاره هندوستان. پیرصدرالدین در اشاعه دعوت اسماعیلیه نزاری در هند و همچنین تشکیلات و سازمان آن دعوت نقش بسزایی داشت. این دعوت در هند به نام «سات پانت»^۱ یا راه حقیقی شهرت یافت. وی که از اخلاف پیرشمس الدین^۲ بود پس از پدرش، پیرشهاب الدین، به ریاست دعوت سات پانت در هند رسید. اطلاعات موجود درباره پیرصدرالدین عمدتاً مبتنی است بر ادبیات دینی اسماعیلیان نزاری هندوستان، که گنا^۳ نامیده می شود. تألیف بسیاری از این گناها را به پیرصدرالدین نسبت داده اند. طبق این روایات، پیرصدرالدین در زمانی میان نیمه دوم قرن هشتم و دهه های آغازین قرن نهم می زیسته است. بدین ترتیب پیرصدرالدین با اسلام شاه، که در فهرست امامان اسماعیلیان نزاری (شاخه قاسم شاهی) مرتبه سی ام را دارد، معاصر بوده است.

پیرصدرالدین بسیاری از هندوهای طبقه یا کاست لوهانا را به کیش اسماعیلیه نزاری درآورد و به آنها نام خوجه^۴ داد که از کلمه فارسی خواجه، به معنای ارباب، مشتق شده، و با واژه هندوی تاکور که به هندوهای لوهانا اطلاق می شد، هم معنی است. پیرصدرالدین همچنین اولین جماعت خانه، محل عبادت نزاریه، را در کوتری^۵ در سند (در ایالت پنجاب کنونی در پاکستان) بنیان نهاد. وی سپس دو جماعت خانه دیگر در پنجاب و کشمیر ساخت و برای آنها مکی (برگرفته از واژه سانسکریت مکی^۶ به معنای رئیس یا مهمترین) برگمارد. بدین ترتیب پیرصدرالدین اساس تشکیلات جماعتی اسماعیلیان نزاری هند را، که از آن پس به خوجه ها شهرت یافتند، پی ریزی کرد.

با گذشت زمان، وی دعوت سات پانت را به گجرات نیز اشاعه داد و موفقیت های قابل توجهی در میان لوهاناها و دیگر هندوهای متعلق به کاستهای تجارت پیشه آن منطقه به دست آورد. ولی مرکز فعالیت های پیرصدرالدین همچنان در اوچ^۷، در سند، باقی ماند. منطقه سند در آن زمان تابع حکومت سما^۸ ها

1. Satpanth

2. Kotri

3. mukhya

4. Uech

5. Samma

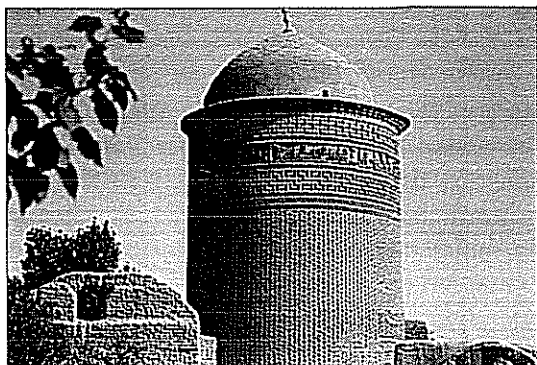
6. Sūmra

7. dassondh

8. Jetpur

9. Dasa Avatāra

10. Bñjh Niranjan



برج آرامگاهی پیر علمدار در دامغان

برای استواری گنبد فراز برج، آجرها در چند رج پیش نشسته‌اند و دورتادور قرنیزی ایجاد شده تا از چکیدن باران بر روی تزیینات کتیبه جلوگیری کند. گنبد در مایه گنبد های رُک و شلجی شکل اجرا شده است. برای راه یافتن به داخل برج باید از سه پله پایین رفت. بر روی دیوار درونی، در بلندی ۳٫۵۰ متری، یکی از زیباترین نوارهای کتیبه‌ای قرآنی به تاریخ ۴۱۷ وجود دارد که متن آن نقاشی شده است و هشتاد سانتیمتر عرض دارد. فضای داخل آرامگاه حالت وهم‌انگیزی القا می‌کند که با کاربرد بنا تناسب دارد. اندازه آجرهای به کار رفته در برج ۲۴×۲۴×۵ سانتیمتر است. برج، ایوانی مقرون با کتیبه‌ای از گچبری داشته که تنها بخشی از آن به جای مانده است (برای متن کامل این کتیبه - اعتمادالسلطنه، ج ۳، ص ۲۷۹).

به نوشته برخی منابع، این بنا (قصر) - متن کتیبه آرامگاه محمد بن ابراهیم، پدر ابو حریب بختیار^۵، ممدوح منوچهری (دیوان، ص ۲۱، ۱۱۴، ۱۶۹) و سپس حاکم ایالت قومس از سوری منوچهر فلک المعالی، شاه‌زایی، بوده است (دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ص ۳۷۷). این بنا به شماره ۷۹ در فهرست بناهای تاریخی ایران به ثبت رسیده است. بقعه‌ها و آرامگاه‌های دیگری نیز با همین نام در ایران وجود دارد (برای نمونه - مخلص، ص ۱۲۲؛ دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ص ۴۳۱).

منابع: علاوه بر اطلاعات شخصی مؤلف؛ محمد حسن بن علی اعتمادالسلطنه، مطلع الشمس، چاپ سنگی تهران ۱۳۰۱-۱۳۰۳، چاپ نسیمور بصرهان لیسودهی، چاپ افست تهران ۱۳۶۲-۱۳۶۳ ش؛ دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی؛ بناهای آرامگاهی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۶؛ مخلص، آثار تاریخی سمنان، [پس‌جا، ۱۳۵۶ ش]؛ احمد بن قوس منوچهری، دیوان، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۲۷ ش؛

پیر علمدار، از برج‌های آرامگاهی معروف قرن پنجم، در شرق دامغان. پیر علمدار در گذشته در کنار راه ری به بسطام و نیشابور قرار داشت. فریزر^۱ که در ۱۸۲۱/۱۲۳۶ از این محل دیدار کرده به این بنا اشاره کرده، ولی تکیه اصلی او بر مسجد مجاور برج است (ص ۳۱۳-۳۱۴). در ۱۸۵۸/۱۲۷۴ خانیکوف^۲ از این بنا دیدن کرده و به شرح آن پرداخته است (ص ۷۴-۷۵). برج پیر علمدار، برج آرامگاهی بدون سردابه‌ای است که نقشه (پلان) آن در داخل و خارج دایره، قطر داخلی آن ۴٫۷۰ و قطر خارجی ۶٫۴۰ و بلندی برج ۱۲٫۵ متر است. آجرچینی نمای اصلی تا ارتفاع ۵٫۷۰ متری به صورت ساده انجام گرفته و از این ارتفاع به بعد با نوارهای هشتگانه‌ای زینت یافته است. ورودی برج به طرف مسجدی قرار دارد که کمتر از یک قرن بعد در کنار برج برپا شده است. ابعاد این ورودی ۸۰×۵۰ متر است که در وسط بخش آجرچینی ساده بدنه برج جاسازی شده است. برای جلوه بخشیدن به ورودی، آن را درون درگاهی با قوس تیزه‌دار قرار داده‌اند که پایه‌های قوس بر روی دو ستونچه تزیینی پیل با مانند قرار دارد. قابی مستطیل، به بلندی ۲٫۹۰ و عرض ۲٫۰۲ متر، درگاهی تزیینی را دربر گرفته است. تزیینات میان نعل درگاه ورودی تا زیر تیزه قوس عبارت است از یک کتیبه گچبری که در میان دو نوار کم‌عرض زنجیره‌ای، شامل مربعهایی که از گوشه‌ها به هم متصل‌اند، و دو نوار مشبک با طرح اسلیمی‌وار قرار گرفته است. پشت بغلهای قوس سردر نیز دارای تزییناتی در مایه ستاره‌های شانزده پر است. تزیینات بالای برج وزیر گنبد با هنرمندی خاصی در پنج نوار بسیار کم‌عرض و سه دوره پهن انجام گرفته است. کتیبه زیبای کوفی برج در وسط دونوار پهن تزیینی در مایه کارگره قرار دارد که جلوه‌ای چشمگیر به بنا بخشیده است. بخشی از این کتیبه و تاریخ آن را نخستین بار خانیکوف خواند (همانجا). نوشته کوفی کتیبه از تزیینات زیبایی برخوردار است. در ساقه حرفهایی چون الف و لام، گره‌هایی به گونه‌های مختلف اجرا شده و طرحهایی به شکل گلابی در آن به کار رفته است که جنبه‌ای استثنایی به آن می‌بخشد. کشیدگی حرفهای این کتیبه در مقایسه با کتیبه‌های همزمان، چون رادکان غربی، در حد اعلاای افراط است. زمینه نوشته‌های این کتیبه کاملاً صاف و بدون تزیین است.